

بررسی رابطه‌ی بین سرسختی و منزلت هویت در دانشجویان

سوسن سالاری‌فر، مریم کاشفی، رسول روشن

مقدمه

فرآیند کسب هویت که از دوران نوجوانی به طور مشخصی نمود پیدا می‌کند توجه بسیاری از محققان رتبه خود معطوف داشته است. از نظر اریکسون آنچه هویت نامیده می‌شود آن جنبه از من است که پس از ایجاد بحران روانی - اجتماعی گذار از کودکی به بزرگسالی به بررسی، انتخاب و وحدت بخشیدن به تصاویر خود با توجه به فضای عقیدتی خاص دوره جوانی می‌پردازد. مارشیا (1966) بر پایه نظریه اریکسون تحول هویت را بررسی و چهار منزلت هویت مشخص کرده است: پایین ترین سطح تحول، منزلت‌های «هویت یافتگی من» و «سردرگمی هویت» و در میان این دو منزلت‌های «دنباله روی» و «بحران زدگی» قرار دارد. این چهار حالت هویتی مورد اعتبار تجربی و در جایگاه های متنوع فرهنگی، رشد قبلی، ویژگی‌های شخصیتی، سبک روابط بین افراد و سیر رشد مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از موضوعات اصلی نظریه اریکسون هویت من و رشد آن است هویت من احساسی است که هشیارانه تجربه می‌شود، احساسی که از تبادل فرد با واقعیت اجتماعی خویش بر می‌خیزد.

اریکسون معتقد است که ساخت و حفظ احساسی قوی ار هویت من بسیار مهم و از وظایف هر فرد در طول زندگی است و عدم ساخت چنین احساسی می‌تواند زمینه ساز آسیب های روانی باشد(اریکسون، 1974 و 1968، به نقل از کارور و شی بر، 1996).

افراد سرسخت معنا ارزش اهمیت و هدفمندی خودشان کارشان خانواده هایشان و به طور کلی زندگی را دریافته اند آنها به تلاش و عمل بیش از شانس اهمیت می دهند و معتقدند می‌توانند روند رویدادهای زندگی را در دست بگیرند. آنها دارای منبع مهار درونی اند و رویدادهای مثبت و منفی را پیامد اعمال شخصی می‌دانند. از طرفی این افراد تغییر و تحول را قانون ثابت زندگی می‌دانند و تغییرات را فرصتی برای یادگیری و رشد قلمداد می‌کنند نه تهدیدی برای امنیت خود(شکر کن، 1374، پروین، 1996) افراد سر سخت بر خلاف افراد غیر سخت حوادث را چندان خطرناک ارزیابی نمی‌کنند برعکس آنها را مثبت و قابل کنترل ارزیابی می‌کنند (لیبار، 1994، قربانی 1374، فرانکن، 1998)، کوباسو مدی و زولا (1983) سرسختی را ترکیبی از باورها در باره ی خویش و جهان تعریف می‌کند که از سه مولفه تعهد و، کنترل و مبارزه جویی تشکیل شده است.، کوباسا و پوکنی (1983) باور دارند که ویژگی های روا نشناختی سرسختی از جمله حس کنجکاوی قابل توجه، گرایش به داشتن تجارب جالب و معنی دار، ابراز وجود، پر انرژی بودن و اینکه تغییر در زندگی امری است طبیعی و می‌تواند در سازش فرد با رویدادهای تنیدگی را سودمند باشد.

مفاهیم، عوامل و پیامدهای تنیدگی به عنوان یک موضوع پیچیده علمی همواره نظر پژوهشگران علوم رفتاری را به خود جلب کرده است. گستردگی دامنه عوامل تنیدگی، پیامدهای مخرب پر کنش وری آن و سلامت فرد و نیز جذابیت علمی- پژوهشی آن می‌تواند دلایلی برای بیان اهمیت و ضرورت توجه روانشناسان نسبت به تنیدگی باشد. بشر در طول زندگی دریافته است که بعضی رخدادهای می‌تواند سلامتی، تعادل، آسایش و سازش یافتگی او را به خطر اندازد. در عین حال شواهد نشان می‌دهند که حتی موقعیت های پرتنش همواره به بیماری و سازش نایافتگی منجر نمی‌شود(لیبار، 1994) پژوهشگران معتقدند که عوامل تعدیل کننده‌ای در رابطه بین تنیدگی و بیماری دخالت می‌کنند8 افراد دارای خصایصی هستند که توان مقاومت درونی آن را در برابر تنیدگی افزایش می‌دهد (کوباسا، 1979) و از بروز پیامدهای تنیدگی و بیمار شدن جلوگیری می‌کند. علاوه بر این انسان تسلیم بی چون و چرای تنیدگی منابع و پیامدهای آن نیست، بلکه برای کسب سازش و تعادل مجدد، پیشگیری، رفع تنیدگی و مهار آن به راهکارهای گوناگونی اندیشیده و دست یافته است. مطالعه تشخیص و ارزیابی عوامل تعیین کننده رابطه بین تنیدگی و بیماری یکی از موضوعات نوین علمی و کاربردی برای ارتقا سلامتی در روانشناسی تندرستی و مدیریت بحران می‌باشد. پژوهش حاضر تلاشی برای بررسی رابطه سرسختی و پایگاه های هویت در بین دانشجویان دانشگاه تهران با استفاده از پرسشنامه منزلت و پرسشنامه سرسختی روانشناختی است.

روش

شرکت کنندگان: متشکل از 150 نفر از دانشجویان دانشگاه های تهران؛ تربیت مدرس و شاهد در سه مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می باشد. طرح پژوهش مطالعه حاضر از نوع همبستگی است. که به صورت نمونه گیری در دسترس انجام شد و پرسشنامه های پژوهش توسط افراد تکمیل گردید.

ابزار: پرسشنامه سرسختی روانشناختی دارای 45 سوال است و میزان سرسختی را در سه خرده مقیاس تعهد، کنترل و مبارزه جویی می‌سنجد. اگرچه پرسش نامه سرسختی LGHS عوامل عمده موجود در ساختار نظری سازه سرسختی روانشناختی را می‌سنجد اما به دلیل اینکه سه عامل مستخرج از ساختار عاملی این پرسش نامه تنها نزدیک به 30 درصد از واریانس نمره‌ها را تبیین می‌کنند و افزون بر این برخی از سوالات در خرده مقیاس‌ها جایه جا شده‌اند لذا نمی‌توان خرده مقیاس های این ابزار را به منزله ابزارهای سنجش قوی در زمینه 8 سازه سرسختی تلقی کرد. بنابراین در این پژوهش از نمره کلی مقیاس استفاده شده استکه اعتبار این مقیاس از آخرین اعتباریابی در ایران اعتبار به روش دو نیمه کردن $r=0/76$ و اعتبار باز آزمایی $r=0/71$ گزارش شد و ضریب اعتبار کل مقیاس 0/78 است و اعتبار آن نیز مورد تایید است.

پرسشنامه منزلت عینی هویت من که توسط آدامز و همکاران در حوزه هویت عقیدتی طراحی شده است از ابزار شناخته شده و استاندارد این پرسشنامه توسط رحیمی نژاد و احمدی روی دانش آموزان ایرانی اعتباریابی شده و اعتبار آن با روش آلفای کرونباخ برای هر یک از منزلت های سردرگم، دنباله رو، بحران زده و هویت یافته در سطح عقیدتی به ترتیب : 0/73 و 0/63 و 0/63 و در سطح بین فردی 0/60 و 0/80 و 0/65 برآورد شده است.

یافته ها

نتایج این پژوهش نشان داد که همبستگی بین سرسختی روانشناختی و خرده مقیاس های منزلت هویت معنادار است. و نتیجه تحلیل رگرسیون برای تعیین سهم 4 خرده مقیاس منزلت هویت در پیش بینی نمرات سرسختی روانشناختی در جدول 1 گزارش شده است.

جدول 1

ضریب آزمون رگرسیون در باره منزلت های هویت و سرسختی روانشناختی

	B	Beta	t	سطح معناداری
عدد ثابت	105/120		-0/282	0/000
سردرگمی	-0/507	-0/282	-0/061	0/009
دنباله روی	-0/144	-0/061	0/094	0/609
بحران	0/113	0/094	0/231	/270.
هویت یافتگی	0/305	0/213	-0/282	0/051

با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون تنها خرده مقیاس سردر گمی برای پیش بینی سرسختی معنادار شد.

همچنین برای تعیین معناداری 4 خرده مقیاس منزلت هویت و مقیاس سرسختی در بین گروه شاهد و غیر شاهد، متاهل و مجرد و زن و مرد آزمون t مستقل محاسبه شد. که در جدول 2 گزارش شده است.

جدول 2

آزمون t-test برای معناداری سرسختی در گروه‌های تحقیق

سرسختی	سطح معناداری	t
وضعیت تاهل	0/90	0/119
شاهد و غیر شاهد	0/44	0/32/
جنسیت	0/26	-2/252

و زنان و مردان در مقیاس سرسختی تفاوت معناداری با هم دارند. ولی آزمون t میزان سرسختی در بین دو گروه متاهل و مجرد و شاهد و غیر شاهد معنادار نشد

جدول 3

آزمون t-test برای معناداری پایگاه های هویت در گروه‌های تحقیق

	سطح معناداری	t
وضعیت تاهل	0/349	-0/939
شاهد و غیر شاهد	0/917	0/104
جنسیت	0/633	-0/479

آزمون t پایگاه های هویت در هیچ یک از دو گروه (متاهل و مجرد) و (مردو زن) و (شاهد و غیر شاهد) معنادار نشد.

همچنین از تحلیل واریانس یک راهه در بررسی میزان سرسختی و منزلت هویت در سه سطح تحصیلات استفاده شده است. که نتایج آزمون تحلیل واریانس هر یک از خرده مقیاس های منزلت هویت و مقیاس سرسختی در سه سطح معنادار نشد. بنابراین بین سطوح مختلف تحصیلی در مقیاس سرسختی و خرده مقیاس های منزلت هویت تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به جدول بین جنسیت و قرارگیری در پایگاه های مختلف هویت رابطه ای به دست نیامد. که این نتیجه همسو با تحقیق روش (1977) به نقل از حسینی (1375) که در مورد تفاوت میان زنان و مردان در هویت یابی است و به این نتیجه رسید که زنان و مردان در پایگاه های مختلف هویت تفاوت معناداری با هم نداشتند. مقیاس سرسختی تفاوت معناداری بین زنان و مردان به دست آمده است. و شاید بدین دلیل باشد که زنان در مواقع استرس و فشار روانی در مقایسه با مردان که عقلانی ترند احساسی تر برخورد می‌کنند و سرسختی کمتری نشان می‌دهند. در صورتی که در پژوهشهای انجام شده تفاوت معناداری را بین مردان و زنان از لحاظ متغیر سرسختی روانشناختی گزارش نکرده اند(عطاری و همکاران 1383).

در پژوهشی دیگر طباطبایی (1377) بین پسران و دختران در رسیدن به پایگاه هویت تفاوت معناداری بدست نیامد. همچنین همبستگی بین سرسختی روانشناختی و مقیاس کلی پایگاه های هویت با $(r= 026/)$ و سطح معناداری (0/001) معنادار شد و این نشان می‌دهد که بدست آوردن هویت به طور کلی با افزایش سرسختی در

برابر فشار روانی همراه است. و همچنین همبستگی بین نمره سرسختی و خرده مقیاس سردرگمی ($R = -.329$) بوده است که در سطح $.0001$ معنادار شده است و این نشان می‌دهد که افرادی که در مرحله سردرگمی هویت هستند در مقابل فشارهای روانی آسیب‌پذیر ترند و سرسختی کمتری را نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که پایگاه‌های هویت و سرسختی در سه سطح تحصیلی تفاوت معناداری با هم نداشت، ارائه پرسش‌نامه در هنگام امتحانات پایان ترم بوده است و افراد دقت کافی برای کامل کردن پرسش‌نامه نداشتند و همچنین تعداد افراد در مقطع دکتری کم بوده است که می‌تواند یکی از دلایل معنادار نشدن تحلیل واریانس بوده باشد. نتایج تحلیل واریانس هر سه خرده مقیاس منزلت هویت نیز در سطوح تحصیلی معنادار نشد. و همچنین دیگر تحقیقاتی که مرتبط با سرسختی انجام گرفته است در زیر به آن اشاره شده است. و بیسلی و همکارانش (2003) در مطالعه خود دو مدل ارتباطی برای ارتباط بین سرسختی و سلامت روان مورد بررسی قرار دادند. مدل اثر اصلی پیشنهاد می‌کند که سرسختی دارای تاثیر مستقیم و یکنواختی بر سلامت روان است در حالی که مدل اثر تعاملی بر این نظر است که سرسختی نقش تعیین‌کننده‌ای در تاثیر رویدادهای منفی زندگی و اثر آنها بر سلامت روان دارد. مدی و کوباسا (1984) بین سرسختی روانشناختی، اضطراب، افسردگی، بیماری‌های جسمانی و حساسیت بین فردی رابطه منفی یافتند، به دنبال آن فانک و هوستون (1987) همبستگی منفی و معناداری بین سرسختی و افسردگی به دست آوردند. در مطالعه دیگری شعبیری (1385) رابطه بین سرسختی و سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی را در گروهی از دانشجویان مورد بررسی قرار داد و گزارش نمود که بین سلامت روان بطور کلی و خرده مقیاس‌های آن با سرسختی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان معنادار نبود. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر استفاده از نمونه در دسترس بوده است که با توجه به تعداد بی‌شمار دانشگاه‌های سطح تهران به محققین در آینده توصیه می‌شود از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده کنند.

منابع

حسینی، فوزیه (1374). بررسی ارتباط بین پایگاه‌های هویت و سبک‌های مقابله با بحران جوانان مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، الزهرا.
اسکندری، حسین؛ شکرایی، زهرا؛ بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانشجویان، مطالعات زنان، 2، 15، 42-5
رحیمی نژاد عباس؛ احمدی، علی اصغر (1374) مطالعه تحلیلی و علی هویت یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش آموزان دختر و پسر نوجوان تهرانی، معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش، 1374.

Cote, J.E., & Levine, J.G. (1989) A critical examination of the ego identity status paradigm. *Deviant Behavior*, 10(1), 1-16.
Marcia, J.E. (1966) *Identity in youth*. New York: Wiley.
Erickson, E.H. (1968) *Youth and crisis*. London: Faber.